

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش پژوهشی
پژوهشکده حقوق عمومی و بین الملل
گروه حقوق بین الملل و بشر

ابعاد حقوقی ترور شهید فخری زاده
از منظر حقوق بین الملل

(ویراست دوم)

۹۹۳۰۰۳۲۰

"مطالب بیان شده در گزارش‌ها و انتشارات پژوهشگاه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، نتیجه تحقیقات پژوهشگران و بیان‌کننده دیدگاه‌های مؤلفان آنهاست و لزوماً موضع رسمی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران یا نظرات پژوهشگاه نیست، مگر آنکه به آن تصریح شده باشد."



وب سایت: www.jri.ac.ir کد پستی: ۱۹۸۳۸۴۶۵۱۴ تلفکس: ۰۲۱ - ۲۲۰۹۲۰۶۱

آدرس: بزرگراه چمران، بزرگراه یادگار امام، بعد از خروجی اوین درکه، پژوهشگاه قوه قضائیه

عنوان: ابعاد حقوقی ترور شهید فخری‌زاده از منظر حقوق بین‌الملل (ویراست دوم)

نویسندگان: دکتر کیوان اقبالی، دکتر مهناز رشیدی

ناظر علمی: دکتر سید حسین موسوی‌فر

صفحه‌آرایی: مریم کاظمینی

ناشر: پژوهشگاه قوه قضائیه

تیراژ و نوبت چاپ: ۲۰۰ نسخه - دی ۱۳۹۹

فهرست مطالب

۵.....	چکیده
۷.....	مقدمه
۹.....	۱- ارزیابی ترور شهید فخری زاده در پرتوی مفهوم ترور بسم
	۲- ارزیابی ترور شهید فخری زاده در پرتوی تئوری «قتل هدفمند»
۱۷.....	در حقوق بین الملل
۲۳.....	۳- مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از ترور شهید فخری زاده
	۱-۳. مسئولیت بین المللی ناشی از ترور شهید فخری زاده توسط اشخاص
۲۴.....	خصوصی تحت کنترل دولت
	۲-۳. سنجش مسئولیت بین المللی ناشی از ترور شهید فخری زاده توسط
۲۵.....	اشخاص خصوصی تحت کنترل تشکیلات غیردولتی
۲۷.....	۴- ارزیابی امکان دفاع مشروع در واکنش به ترور شهید فخری زاده
۳۴.....	نتیجه گیری
۳۷.....	منابع

هدیه به روح بلند شهید، برویژه دانشمند شهید دکتر فخرزاده

چکیده

اقدام تروریستی علیه شهید و الامقام دکتر فخری زاده که با واکنش‌های مختلف سیاسی و حقوقی در عرصه داخلی و بین‌المللی همراه بود و احتمالاتی دال بر هدایت سرویس‌های جاسوسی - اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، آمریکا و اعراب در آن مطرح می‌شود، سؤالاتی را در ابعاد حقوقی بین‌المللی ماجرا مطرح می‌سازد. زمانی که این قبیل اقدامات با هدایت و کنترل دولت‌ها و تشکل‌های سازمان‌یافته صورت پذیرفته باشد، بررسی و ارزیابی مقابله با آن در سطوح مختلف، از جمله حقوقی امری ضروری است؛ سؤال اساسی که این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در ارائه پاسخ دقیق به آن برآمده، آن است که وضعیت حقوقی اقدام به ترور شهید فخری زاده از دیدگاه اصول و قواعد حقوق بین‌الملل چگونه است؟ نتیجه حاصله آن است که ترور دانشمند برجسته هسته‌ای ایران مصداق بارزی از عمل تروریستی و نقض قاعده آمره حق بر حیات بوده و در صورتی که انتساب کنترل و هدایت این عمل به موجودیت‌های دولتی اثبات گردد، مسئولیت بین‌المللی آنها را به دنبال خواهد داشت؛ در غیر این صورت طرح مسئولیت کیفری و تعقیب عاملان و هدایت‌کنندگان آن در سطوح داخلی و بین‌المللی امکان‌پذیر خواهد بود، اگرچه اقدامات قاهرانه مقتضی وفق اسناد عام بین‌المللی علیه تروریسم نیز می‌تواند در دسترس باشد. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از سازوکارهای سیاسی و شبه قضایی بین‌المللی به‌ویژه مکانیزم‌های نظارتی حقوق بشر در راستای بیان غیرقانونی بودن این گونه اقدامات تروریستی بهره‌گیرد.

واژگان کلیدی: شهید فخری زاده، تروریسم دولتی، قتل هدفمند، حقوق

بین‌الملل

مقدمه

بعد از ظهر روز جمعه مورخ ۷ آذرماه ۱۳۹۹، برجسته‌ترین دانشمند هسته‌ای ایران و رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع، شهید محسن فخری‌زاده، حوالی تهران، هدف حمله عوامل تروریستی قرار گرفته و به فیض شهادت نائل آمدند. این اقدام تروریستی که با واکنش‌های مختلف سیاسی و حقوقی در عرصه داخلی و بین‌المللی همراه بود و احتمالاتی دال بر هدایت سرویس‌های جاسوسی - اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، آمریکا و اعراب در آن مطرح می‌شود، سؤالاتی را در ابعاد حقوقی بین‌المللی ماجرا مطرح می‌سازد. ارزیابی وضعیت حقوقی این اقدام از منظر قواعد بین‌المللی و بررسی مناسب‌ترین راهکارهای حقوقی واکنشی نسبت به آن، از جمله این مسائل و چالش‌های حقوقی مطروحه هستند که پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخگویی مناسب به آن برآمده است. از این رو، ساختار پژوهش، بدین گونه صورت‌بندی شده که در بخش نخست، ضمن ارزیابی وضعیت و ابعاد حقوقی این جنایت از منظر موضوعاتی چون تروریسم دولتی و تئوری قتل هدفمند در بخش دوم به چگونگی مسئولیت بین‌المللی عامل یا عوامل آن پرداخته و توسل به دفاع مشروع در مقابله با این اقدام امکان‌سنجی خواهد شد و نهایتاً در بخش نتیجه‌گیری، مناسب‌ترین طرق حقوقی پاسخگویی پیشنهاد می‌شود.

۱- ارزیابی ترور شهید فخری زاده در پرتوی مفهوم تروریسم

ارائه تعریفی برای تروریسم را می‌بایست یک از چالش‌برانگیزترین مباحثی دانست که حقوق بین‌الملل با آن روبرو می‌باشد در حقیقت وجود اجماع جهانی در مبارزه با تروریسم و فراوانی استفاده از این واژه در رسانه‌های گروهی جهان و ادبیات حقوقی تاکنون کمتر کسی را به تأمل برای یافتن مفهوم دقیق این واژه تشویق کرده است.^۱

به دیگر سخن روبرو بودن روزانه جامعه بشری با این پدیده که منجر به توافق جهانی در مورد لزوم مواجهه با آن گردیده است، در بادی امر ممکن است موجب ایجاد این موضوع در ذهن گردد که از نظر حقوقی نیز چنین اجماعی در ارائه تعریف از تروریسم وجود دارد.

اگرچه در رابطه با اصل جرم‌انگاری تروریسم کمتر اختلاف نظری را می‌توان مشاهده نمود.^۲ اما در فعالیت‌های صورت گرفته با هدف تعریف این موضوع تاکنون چنین اتفاق نظری به وجود نیامده است.^۳ به گونه‌ای که از نظر برخی صاحب‌نظران این عرصه، امروزه نمی‌توان تروریسم را به عنوان موضوعی که از منظر حقوق بین‌الملل دارای هنجارهای ماهوی خاص خود باشد تلقی نمود.^۴

وجود چنین ناتوانی در یافتن تعریفی دقیق از تروریسم را می‌توان ناشی از دلایل گوناگونی دانست که نخستین آنها درگیری عملی و گسترده جامعه جهانی با این مسئله می‌باشد. به عبارت دیگر، شرایط موجود جوامع بشری را ناگزیر کرده تا بخش اعظم توان خویش را در راستای ارائه راهکارهایی برای مبارزه و جلوگیری

۱. زمانی، سید قاسم، جایگاه موازین بین‌الملل حقوقی بشر در مبارزه با تروریسم، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۸ سال ۱۳۸۴، ص ۴۳.

۲. آتف، رنالد، رهیافت جرم‌شناسی و بزه‌شناختی به تروریسم، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، ۱۳۸۳، ص ۳۲۱.

۳. طبق پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون بیش از صد و ده تعریف گوناگون از تروریسم ارائه شده است.

۴. هیگینز، روزالین، حقوق بین‌الملل عام تروریسم، ترجمه زهرا کسمتی در علیرضا طیب، تروریسم نشر نی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۶۰.

از فرآیند روبه گسترش استفاده از اشکال گوناگون تروریسم بکار گیرد؛ وضعیتی که به نوبه خود منجر به عدم توجه کافی اعضای این جامعه برای تلاش برای تبیین مفهوم دقیق این پدیده شده است.

درواقع از دیدگاه جامعه بین المللی، تروریسم صرفاً عنوان مناسب برای اشاره به فعالیت‌هایی می‌باشد که از نظر حقوق بین الملل به دلیل روش‌های به کاررفته در آنها یا ماهیت قربانیانشان ممنوع دانسته می‌شوند. به مفهوم دقیق‌تر کلمه، در حال حاضر اصطلاح تروریسم صرفاً برای اشاره به اعمال ممنوعه گوناگونی که دارای برخی عناصر مشترک می‌باشند به کار گرفته شده است؛^۱ بدون آنکه تعریف جامعی که کلیت این پدیده را بیان کند، ارائه گردیده باشد. علت دیگر مشکل بودن تعریف تروریسم را می‌بایست طبیعت عمدتاً سیاسی آن دانست. این مسئله موجب مطرح شدن تفسیرهای گوناگونی در راستای تعریف این پدیده شده که هر کدام بر اساس هدف و نوع خواسته‌های سیاسی تفسیرکننده، متفاوت می‌باشند. به عنوان مثال می‌بایست به واهمه کشورهای بلوک غرب و کشورهای در حال توسعه از تعریف تروریسم اشاره نمود.^۲

بر مبنای آنچه گفته شد، اکنون سعی بر آن می‌گردد تا به چند نمونه از تعاریف مطرح شده در رابطه تروریسم اشاره شود.

از دیدگاه پیتر فلمینگ و مایکل استول دو تن از محققان به نام در رابطه با این مسئله تروریسم را این گونه می‌توان تعریف نمود: «ارتکاب هدفمند خشونت یا تهدید به آن، به منظور ایجاد وحشت و یا هراس در قربانی و یا در ناظران آن عمل. به عبارت بهتر، قربانیان آنی تروریسم با مخاطبان غایی آن یکی نبوده و تروریسم از طریق اعمال خشونت بر اولی، دومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد».^۳

این تعریف به دلیل آنکه به ویژگی غیرنظامی بودن قربانیان اشاره نمی‌نماید، دارای نواقص عمده‌ای به نظر می‌رسد. از این رو نمی‌توان آن را تعریف جامعی از

۱. همان، ص ۳۲۳.

۲. نجومی، صابر، «مطالعه تطبیقی تروریسم از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل» رساله کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۷.

۳. همان، ص ۵۷.

مفهوم تروریسم به شمار آورد. توماس جدی، یکی دیگر از صاحب‌نظران عرصه تروریسم، این پدیده را چنین تعریف نموده است: «کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی، همراه با قصد ارباب که به وسیله عوامل غیردولتی انجام شده و بر بیش از یک دولت اثر می‌گذارد»^۱. از نقاط قوت تعریف فوق می‌توان، توجه آن به ماهیت سیاسی تروریسم است. اما این تعریف را نیز نمی‌توان تعریف جامعی دانست، زیرا به پاره‌ای مسائل مهم که همواره در ارتباط با اعمال تروریستی مطرح می‌باشند، که مهمترین آنها بحث تهدید به اعمال خشونت و ماهیت قربانیان می‌باشند، توجهی ننموده است.

کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم را می‌بایست به عنوان اولین سند بین‌المللی که به ارائه تعریف از تروریسم پرداخته، تلقی نمود.^۲ بند دو از ماده یک این کنوانسیون، تروریسم را این‌گونه تعریف می‌نماید: «اعمال کیفری که علیه دولت بوده و به قصد یا به منظور ایجاد حالت رعب و وحشت در اذهان افراد، گروهی از افراد یا عموم مردم باشد»^۳. شایان ذکر است که علی‌رغم وجود چندین نقطه قوت در این تعریف، به دلیل به حد نصاب نرسیدن کشورهای تصویب‌کننده کنوانسیون و در نتیجه لازم‌الاجرا نشدن سند فوق، از آن استفاده چندانی به عمل نیامده است.

گرچه سازمان ملل تاکنون هیچ تعریفی را به عنوان تعریف رسمی از تروریسم

۱. جی، بدی، توماس، تعریف تروریسم بین‌المللی، نگرش علمی، ترجمه سید رضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶ پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۲۵۱.

۲. پس از آنکه در اکتبر سال ۱۹۴۴، الکساندر اول پادشاه یوگسلاوی به همراه وزیر امور خارجه فرانسه لویی بار تو توسط یک ملی‌گرای بلغار به نام ولادو چرنوزمسکی ترور گردید، جامعه ملل بنا به درخواست دولت‌های یوگسلاوی و فرانسه و بر طبق ماده ۲ اساسنامه خود، تدابیری را به منظور بررسی موضوع اتخاذ نموده، در پی این تصمیم در دسامبر همان سال، شورای جامعه ملل با صدور قطعنامه‌ای اعلام نمود که قواعد مرتبط با مسئله تروریسم را به هیچ وجه برای جلوگیری و مقابله با آن کافی ندانسته و به دنبال آن با تشکیل یک کمیته ویژه، مقدمات لازم برای تنظیم اولین کنوانسیون مرتبط با مسئله تروریسم را فراهم نمود. نتایج کار این کمیته، سال بعد در نوامبر سال ۱۹۴۷ در چارچوب پیش‌نویس کنوانسیون بی‌عنوان کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم و در جریان یک کنفرانس بین‌المللی که باهدف پذیرش نهایی متن آن تشکیل شد به تصویب کشورهای شرکت‌کننده رسید.

نپذیرفته است؛ اما یکی از تعاریف مورد استفاده توسط آن، تعریفی می باشد که بنا به درخواست سازمان در سال ۱۹۸۸ توسط کارشناس مبارزه با تروریسم آلکس اشمید^۱ ارائه شده است. از دید وی: «تروریسم روشی آشوب محور از اعمال مکرر خشونت است که توسط افراد، گروه های مخفی یا ارگان های دولتی، برای دستیابی به اهداف جنایتکارانه یا سیاسی بکار برده می شود و در آن برخلاف سوء قصد، قربانی مستقیم خشونت، هدف اصلی نمی باشد. انسان های قربانی مستقیم این خشونت به صورت تصادفی یا گزینشی از میان یک گروه هدف انتخاب شده و از آنها به عنوان انتقال دهنده پیام استفاده می شود. این فرآیند ارتباطی سه جانبه بین تروریست، قربانی و هدف اصلی برای تحت تأثیر قرار دادن هدف اصلی ایجاد شده و هدف از آن به وجود آمدن حالت ترس، توجه نمودن به درخواست و یا مورد توجه قرار گرفتن، بسته به آنکه ایجاد کدام یک از حالات ارعاب، اجبار یا تبلیغات مورد نظر بوده، می باشد»^۲.

همچنین تعریف قطعنامه ۴۹/۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۵، در رابطه با اقدام به نابودی تروریسم بین الملل از تروریسم به این شرح می باشد: «ارتکاب اعمال جنایی با هدف ایجاد حالت ترس در افکار عمومی، گروهی از افراد یا اشخاص خاصی که با اهداف سیاسی صورت می گیرد، صرف نظر از آنکه به وسیله مسائل سیاسی، ایدئولوژیکی، نژادی و مذهبی و یا هر عامل دیگری که برای توجیه آن به کار رود، تحت هر شرایطی غیر قابل قبول می باشد»^۳.

علاوه بر این، قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۴) که در ادامه دیگر قطعنامه های شورای امنیت مرتبط با تهدیدات موجود برای صلح و امنیت بین المللی از جانب تروریسم، خصوصاً قطعنامه های ۱۲۶۷ (۱۹۹۹) و ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) صادر گردیده، تروریسم را این گونه تعریف می نماید: «اعمال جنایی علیه غیرنظامیان با نیت کشتن یا ایجاد صدمه شدید بدنی همچنین گروگان گیری

1. Alex.P. Schemid

2. Academic Consensus Ddfinition of "Terrorism" 1988.

قابل دسترسی در سایت www.Unodc.org/Unodd?Terrorism

3. United Naitous Gernal Assembbly,Resolution 49/60,P.4.

که با هدف ایجاد ترس در افکار عمومی، گروهی از اشخاص یا اشخاص خاص صورت گرفته و هدف از آن مرعوب یا وادار کردن یک دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی می‌باشد»^۱.

گذشته از این اسناد، سازمان ملل در پاسخ به نیاز جامعه بین‌الملل در رابطه با پاره‌ای از تهدیدات تروریستی نیز کنوانسیون‌های ویژه‌ای تدوین کرده است که از آن جمله می‌توان به کنوانسیون‌های مرتبط با مبارزه با هواپیمارمایی اشاره نمود. تمامی این کنوانسیون‌ها که به عنوان ابزاری برای مبارزه با تروریسم از سوی سازمان ملل تلقی می‌شوند، در سه ویژگی با هم اشتراک دارند:

۱. در همه آنها به ارائه تعریفی کاربردی از نوعی خاص از تروریسم که مرتبط با موضوع آن می‌باشد پرداخته شده، اما هیچ اشاره‌ای به اهداف ایدئولوژیک سیاسی یا انگیزه‌های مرتکبین این اعمال نشده است. این رویه نشان‌دهنده، وجود نوعی اجماع در مورد عدم توجیه‌پذیری ارتکاب چنین اعمالی بر مبنای ایدئولوژی‌ها و محرک‌های مرتکبین می‌باشد.

۲. همه آنها، صرفاً به ارتکاب اعمال تروریستی از سوی بازیگران غیردولتی (افراد یا سازمان‌ها) توجه کرده، در نتیجه در همه آنها دولت‌ها صرفاً به عنوان مبارزین ضد تروریسم نگریسته شده و وضعیت تروریسم دولتی نامشخص مانده است.

۳. در همه آنها، بر ضرورت ایجاد نوعی سیستم حقوق کیفری که بر مبنای آن کشورها باید به همکاری به منظور محاکمه و تعقیب مرتکبین اعمال تروریستی بپردازند، تأکید شده است.^۲

اتحادیه اروپا نیز به منظور تأمین اهداف سیاسی خویش در ماده ۱ دستور کار خود در رابطه با تروریسم (۱۳ ژوئن ۲۰۰۲) به تعریف از مفهوم تروریسم مبادرت نموده است. در این ماده، تروریسم چنین تعریف شده است: «اعمالی که بنا بر

1. United Nation Security Council. Resolution 1566.

2. Byrnes, Andrew, APOCALYPTIC VISIONS AND THE LAW: THE LEGACY OF SEPTEMBER 11, Inaugural lecture, Faculty of Law, Australian National University, 30 May 2002.
WWW.//law.anu.edu/CIPL/Staffpapers Talks & Sub Missions/Byrnes 30 May 01.pdf.

ماهیت یا مفهومی، موجب خسارت جدی به یک کشور یا سازمان بین المللی شده و هدف از ارتکاب آنها، مرعوب نمودن یا وادار کردن نامشروع یک دولت یا سازمان بین المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی یا اختلال یا انهدام ساختارهای بنیادین سیاسی، قانونی، اقتصادی یا اجتماعی یک کشور یا سازمان بین المللی می باشد. از مجموعه تعاریف ارائه شده می توان چنین نتیجه گرفت که بین حقوقدانان و همچنین اسناد بین المللی بر سر ارائه تعریف از تروریسم نوعی اختلاف آراء و تفاوت نظر وجود دارد. اما به نظر می رسد که با بررسی دقیق تر، بتوان برخی عناصر مشترک که در بیشتر این تعاریف آکادمیک و بین المللی یافت می شوند را از مجموع آنها استخراج نمود. این عناصر مشترک که در اکثر حوادث تروریستی وجود دارند عبارتند از: ۱. استفاده نمادین از خشونت علیه افراد که موجب مرگ یا ورود صدمه بدنی شدید به ایشان می شود. ۲. تهدید به ارتکاب خشونت ۳. ایجاد حالت هراس در مخاطب حمله تروریستی که با افرادی که در رابطه با ایشان این عمل واقع شده، متفاوت است ۴. ماهیت غیرقانونی و ممنوعه ارتکاب خشونت، به معنای آنکه از نظر قوانین داخلی و حقوق بین الملل، نتوان توجیهی مبتنی بر قانونی یا اخلاقی بودن برای ارتکاب عمل پیدا نمود ۵. هدف قرار دادن غیرنظامیان ۶. قالب بودن خصلت سیاسی عمل.

دو عنصر انگیزه سیاسی عمل و هدف قرار گرفتن غیرنظامیان را می بایست برجسته ترین خصوصیات اعمال تروریستی دانست که موجب شده تا بتوان میان تروریسم و سایر اعمال خشونت آمیز (از قبیل اعمال جنایت کارانه و جنگ چریکی) تفاوت قائل گردیم. از این رو در ادامه بحث به بررسی این دو عنصر پرداخته می شود.

هدف سیاسی: وجود هدف سیاسی در اعمال تروریستی را می توان وجه متمایزکننده عمل تروریستی با سایر اعمال جنایتکارانه دانست. این هدف سیاسی می تواند بر مبنای انگیزه های گوناگونی (از قبیل انگیزه ایدئولوژیک یا مذهبی.....) شکل گرفته باشد، اما همیشه دارای ماهیت سیاسی (مثلاً تغییر حکومت یا کسب استقلال برای یک سرزمین و یا تغییر یک رفتار) می باشد. تروریست ها حتی ممکن است برای تأمین مالی اعمال خویش به ابزار جنایی نیز متوسل گردند، اما این

باعث تغییر ماهیت عمل آنها نخواهد شد، زیرا برای تروریست‌ها این ابزار تنها وسیله‌ای برای تسهیل دستیابی به هدف سیاسی محسوب می‌گردد، در حالی که برای تبهکاران، توسل به جنایت، وسیله‌ای برای تأمین منافع شخصی و غیرسیاسی خودشان تلقی می‌شود.

هدف قرار دادن غیرنظامیان: این ویژگی تروریسم موجب تفاوت بین دیگر اشکال خشونت دارای اهداف سیاسی خصوصاً سایر روش‌های خشونت‌آمیزی که در جریان مخاصمات مسلحانه بکار می‌رود با تروریسم می‌شود. بارزترین این خشونت‌ها، جنگ چریکی می‌باشند. در جنگ چریکی، شورشیان در حالی که دست‌کم از حمایت گروهی از مردم برخوردارند، به اعمال خشونت علیه نیروهای نظامی و امنیتی طرف مقابل دست می‌زنند. این در حالی است که در تروریسم، اصولاً این مردم غیرنظامی طرف مقابل هستند که به طور عمدی هدف اعمال خشونت‌بار قرار می‌گیرند. البته باید توجه داشت که وجود این تفاوت، مانع از آن نمی‌گردد که در جریان یک مخاصمه مسلحانه، یک گروه مسلح از هر دوی این روش‌ها علیه دشمن خویش استفاده نکند. به‌علاوه باید توجه داشت که صرف هرگونه هدف قرار گرفتن غیرنظامیان را نیز نمی‌توان مصداقی از تروریسم دانست؛ زیرا اساساً در بسیاری از وضعیت‌های جنگی، تشخیص دشمن از مردم غیرنظامی امری مشکل بوده که این مسئله می‌تواند به هدف قرار دادن غیرعمدی افراد غیرنظامی منجر شود؛ از این رو در تشخیص تروریستی بودن یک عمل، احراز عمدی بودن حمله به اهداف غیرنظامی نیز ضروری می‌باشد.

به نظر می‌رسد بر مبنای آنچه تاکنون در رابطه با عناصر مشترک در اعمال تروریستی گفته شد، بتوانیم تا میزان زیادی اعمال تروریستی را که در زمان صلح رخ می‌دهند از سایر اعمال خشونت‌آمیز متمایز نماییم. به عبارت دیگر، بر مبنای این عناصر می‌توان بسیاری از اعمال خشونت‌آمیزی که در زمان صلح توسط بازیگران غیردولتی در جریان مبارزات آنها به کار گرفته می‌شود و همچنین برخی اعمال دولت‌ها را نیز که واجد چنین عناصری هستند و از آنها به عنوان تروریسم دولتی یاد می‌شود، از سایر موارد اعمال خشونت تفکیک کنیم.

همچنین، در نخستین گزارش کمیته ویژه تروریسم بین‌الملل ملل متحد، تروریسم دولتی چنین تعریف شده است: خشونت ترس‌آوری که در مقیاس گسترده و با بهره‌گیری از مدرن‌ترین ابزارها بر ضد تمام جمعیت کشور (یا یک کشور دیگر) و به قصد تسلط بر، یا مداخله در امور داخلی آنها صورت می‌گیرد. همچنین شامل تهاجم نظامی دولت‌های بزرگ به دولت‌های دیگر است که به اسم اقدام پیش‌گیرانه یا تلافی‌جویانه، استقلال و یکپارچگی سرزمینی دولت‌های مزبور را نقض می‌کند. مالانزاک نیز در تعریف تروریسم دولتی، آن را دربرگیرنده آن دسته از رفتارهای تروریستی می‌داند که یک دولت در چارچوب مرزهای خود مرتکب می‌شود. لمبرت بر این باور است که تروریسم دولتی، اقداماتی توسط یک دولت و ارگان‌های تشکیل‌دهنده آن می‌باشد که علیه شهروندان (خواه کل جمعیت و خواه بخش خاصی از آن مانند اقلیتها و مخالفان سیاسی، مذهبی و قومی) ساکن یک سرزمین و با توسل به ابزارهایی چون شکنجه، بازداشت‌های غیرقانونی، قتل و ناپدید کردن اجباری مخالفان یا حتی علیه مردمان عادی صورت می‌گیرد.^۱

بر مبنای آنچه از تعاریف مختلف به‌عمل آمده از تروریسم می‌توان ارزیابی نمود، ترور شهید فخری‌زاده را می‌توان به طور قطع مصداقی از ارتکاب اعمال خشونت‌بار توسط افراد، تشکیلات سازمان‌یافته یا ارگان‌های دولتی، برای دستیابی به اهداف سیاسی دانست که در آن قربانی مستقیم خشونت (شهید فخری‌زاده)، هدف اصلی محسوب نمی‌گردد. به عبارت بهتر، با عنایت به جایگاه برجسته شهید فخری‌زاده به عنوان یک دانشمند شناخته‌شده در برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، هدف از ترور ایشان نه تنها ضربه زدن به روند پیشبرد برنامه هسته‌ای کشور ما، بلکه در راستای به وجود آوردن نوعی حالت ترس و یاس در حکومت و ملت مردم ایران در مسیر تلاش برای پیمودن مسیر خودکفایی اقتصادی و علمی مرتبط با ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲ به شمار می‌آید.

۱. نک: سمیعی اصفهانی، علیرضا و عبدالکریم سالکی، ترور، تروریسم و تروریسم دولتی، مجله سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۹۹، ۱۳۹۴، صص ۸۱-۸۰.

۲. ماده ۱۵

۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسند:

در همین راستا، با عنایت به آشکار بودن ماهیت تروریستی ترور شهید فخری زاده، چنانچه شواهدی بر دست داشتن ارگان‌های هر دولتی در این عملیات به دست آید، به عنوان مثال شواهدی از دخالت ارگان‌های امنیتی ایالات متحده آمریکا در عملیات، ترور مزبور به طور یقین مصداقی از تروریسم دولتی می‌باشد که با بهره‌گیری از مدرن‌ترین ابزارها بر ضد دولت و ملت ایران با قصد تسلط بر، یا مداخله در امور داخلی آنها در حوزه خودکفایی علمی و اقتصادی صورت گرفته است.

۲- ارزیابی ترور شهید فخری زاده در پرتوی تئوری «قتل هدفمند»^۱ در حقوق بین‌الملل

کشتن یا به قتل رساندن یک شخصیت معروف، ابزاری قدیمی برای کسب و نمایش قدرت محسوب می‌شود که پیشینه آن به دوران باستان و زندگی قبیله‌ای بازمی‌گردد. به تدریج، با گسترش وسایل ارتباطات جمعی و ارتقای مفاهیم حقوق بشری، حرکت فکری مبنی بر ممنوعیت این عمل شکل گرفت و اعمال آن تنها به زمان جنگ، آن هم نسبت به فرد متخاصم نظامی و نه غیرنظامی منحصر گشت.^۲ رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا به بهانه مقابله با تروریسم، مفهومی سیاسی با عنوان «هدف قرار دادن تروریست» را ابداع کرده و کسانی که به زعم خود تروریست می‌پندارند را هدف قرار می‌دهند. آنها با این بهانه، ترور افرادی را که گونه‌ای به مخالفت با آنها برخاسته‌اند، توجیه می‌کنند و مدعی هستند، زمانی که امکان دستگیری اشخاصی که تهدیدی برای سربازان و شهروندان آمریکا و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند، وجود نداشته باشد، حق دارند آنها را ترور کنند. تعدادی از حقوق دانان صهیونیستی و آمریکایی از این اقدامات، تحت پوشش

...

ب - بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن

1. Targeted Killing

۲. سرتیپی، حسین، بردبار، احمدرضا و محمد موسی زاده، «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۴، شماره ۳۸،

«تنوری قتل هدفمند» نام می‌برند.^۱ برای تعریف اصطلاح «قتل هدفمند» و شناخت این نظریه، لازم است مفاهیم مربوطه یعنی ترور و مجازات‌های فراقضایی تبیین شود. ترور به معنای اشاعه ترس و وحشت است. اگرچه تاکنون تعریف جامعی از عمل ترور صورت نگرفته است، اما به طور کلی، وقوع آن مستلزم دو عنصر هدف قرار دادن یک فرد و نیز استفاده از شیوه‌های خیانتکارانه است. مجازات‌های فراقضایی یا مشخصاً اعدام فراقضایی عبارت است از مجازات‌هایی که به شیوه خودسرانه و با دستور یک دولت و بدون رجوع به یک دادرسی عادلانه و رسمی صورت گرفته و غالباً زمان و مکان اعدام بعداً کشف می‌شود.^۲ نکته مهم آن است که تفاوت اعدام فراقضایی با قتل فراقضایی آن است که در اعدام فراقضایی، فرد اعدام شده در اختیار و در بازداشت دولت اعدام کننده است اما در قتل فراقضایی، چنین نیست.

بر این اساس، در یک تعریف معقول، قتل هدفمند، «کاربرد نیروی کشنده توسط یک تابع حقوق بین الملل، با قصد، برنامه‌ریزی قبلی و عمد برای کشتن فردی معین است که در بازداشت مادی افراد ترور کننده نباشد».^۳ قتل هدفمند یکی از اقسام ترور محسوب می‌شود زیرا غالباً با طرح و نقشه قبلی و با غافلگیری مقتول همراه است.^۴

عناصر این تعریف عبارتند از:

- ۱) قتل هدفمند، با کاربرد نیروی کشنده صورت می‌گیرد؛
- ۲) قتل هدفمند با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌شود؛
- ۳) قتل هدفمند علیه هدفی صورت می‌گیرد که از قبل مشخص شده و نه علیه اهداف نامعین و همگانی؛
- ۴) قتل هدفمند نباید علیه افراد محبوس در دست اعدام کنندگان صورت گیرد

۱. عزیزی، ستار، «قتل هدفمند از نگاه حقوق بین الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶.

۲. سرتیپی، بردبار و موسی زاده، پیشین، ص ۴۵ - ۴۷.

3. Melzer, Nils, Targeted Killing in International Law, New York: Oxford University Press, 2008, p.5.

۴. عزیزی، پیشین ص ۱۲۹.

و این نکته وجه ممیزه ترور هدفمند با اعدام‌های فراقضایی است.

۵) قتل هدفمند باید منتسب به یک تابع حقوق بین‌الملل، اعم از دولت‌ها و یا بازیگران غیردولتی باشد.^۱ اگرچه به دلیل هدف شکل‌گیری این تئوری که مقابله با تروریسم است، در عمل غالباً توسط دولت‌ها انجام می‌شود.

بر این اساس، با توجه به اینکه ترور شهید فخری‌زاده با استفاده از عملیات نظامی و با قصد و برنامه‌ریزی قبلی و علیه هدفی مشخص صورت گرفته و ایشان در دست عاملان ترور محبوس نبودند و اقدام صورت گرفته از طریق عملی تروریستی انجام شده، از تمامی شرایط قتل هدفمند برخوردار است.

نظر به اینکه ارتکاب این‌گونه قتل‌های هدفمند توسط دولت‌ها و یا گروه‌های غیردولتی گسترش یافته است، سؤالی که مطرح می‌شود آن است که ابعاد حقوقی این اقدام از منظر قواعد حقوق بین‌الملل چگونه است؟

قبل از ورود به بحث، ذکر این نکته لازم می‌نماید که قتل هدفمند گاهی در جریان مخاصمات مسلحانه انجام شده و تابع قواعد حقوق بشردوستانه است و هنگامی که در وضعیت صلح بروز می‌نماید، ارزیابی آن با قواعد حقوق بشر امکان‌پذیر است. از آنجا که قتل هدفمند عموماً در قلمروی سرزمینی یک دولت به وقوع می‌پیوندد، با نظام حقوقی داخلی آن دولت و قوانین داخلی جزایی نیز ارتباط پیدا می‌کند.

بنا بر قواعد بین‌المللی و دکترین حقوقی، «قتل هدفمند زمانی مشروع است که مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی در جریان باشد».^۲ باید توجه داشت که استناد به قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه صرفاً در شرایط خاصی که خشونت در آنها به سطحی افزایش یافته که بتوان به آن خصلت جنگ یا مخاصمه مسلحانه داد، امکان‌پذیر است. به بیان دیگر، اطلاق وصف مخاصمه مسلحانه به یک منازعه، نیازمند وقوع جنگ میان دو دولت یا بازیگران غیردولتی، در حالتی است که آن

۱. حسینی اکبرنژاد، هاله و حوریه حسینی اکبرنژاد، «ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۹۷، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

2. Solis, Gary "Targeted Killing and the Law of Armed Conflict" Naval War College Review 60, Spring Year 2007, pp 127 – 135

نبرد، جاری، پایدار، همه جانبه و سازمان یافته باشد.^۱ همچنین در شرایط مخاصمه مسلحانه نیز قتل هدفمند صرفاً علیه اشخاص نظامی و با رعایت اصول ضرورت و تناسب امکان پذیر است. از آنجا که کشور ایران در حال مخاصمه مسلحانه بین المللی و غیربین المللی فعال با هیچ دولتی نبوده و در اوج آرامش و ثبات سیاسی، یکی از دانشمندان هسته ای، هدف ترور قرار می گیرد، قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه بر این اقدام حاکم نخواهد بود.

نکته قابل توجه آن است که، رژیم صهیونیستی و آمریکا به هنگام ارتکاب ترورهای هدفمند، غالباً این ادعا را بیان می دارند که آنها در حال جنگ با تروریسم هستند و قواعد حقوق بشردوستانه بر این جنگ حاکم است. در حالی که، تعداد زیادی از دولت ها و همچنین اکثریت حقوق دانان معتقد هستند که سیاست ها و اقدامات موردی مبارزه با تروریسم، در چارچوب قواعد دوران جنگ قرار نمی گیرد؛^۲ ثانیاً، نظر به عدم ارائه تعریف دقیق از تروریسم، تشخیص مصادیق آن منحصرراً در اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد بود و یک دولت نمی تواند به زعم خود، گروه، تشکیلات و یا افرادی را در لیست تروریست ها قرار دهد. بنابراین، اگر استدلال آنها مبتنی بر این باشد که شهید فخری زاده قبلاً در عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده و این تشکیلات از سوی آمریکا به عنوان یک گروه تروریستی شناخته شده است، این استدلال از اساس، بی پایه است. زیرا یک کشور صلاحیت تروریستی خواندن اعضای نیروی نظامی رسمی کشور دیگر، به طور یکجانبه و خارج از چارچوب شورای امنیت را ندارد.

با این اوصاف، به دلیل حاکم نبودن شرایط جنگی بر روابط ایران با هیچ کشور یا گروه شورشی دیگر و خروج موضوع از حیطه قواعد حقوق بشردوستانه، ارزیابی این اقدام بر اساس موازین حقوق بشر شایسته بررسی است. حقوق بشر، شاخه ای از علم حقوق است که هدف آن حمایت از انسان در همه زمان ها و مکان ها است.

۱. آهنی آمینه، محمد و محمدجواد ظریف. «قتل هدفمند، مبانی متعارض در حقوق بین الملل (با تأکید بر عملیات قتل هدفمند ایالات متحده آمریکا)»، پژوهش های تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۴، ۱۳۹۱، ص ۶.

علی‌رغم این دیدگاه سنتی که عده‌ای حقوق بشر را انحصاراً حقوق زمان صلح دانسته‌اند، امروزه این امری پذیرفته شده است که حقوق بشر در زمان جنگ و وضعیت‌های اضطراری نیز جاری و لازم‌الرعایه است.

ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال مقررات حقوق بشری، هم مثبت و هم منفی است. به بیانی دیگر، دولت‌ها در مقابل حق‌های بشری، مکلف به ایفای سه نوع تعهد هستند: تعهد به احترام، به معنی خودداری دولت‌ها از مداخله و نقض آن حقوق که جنبه سلبی دارد؛ تعهد به رعایت، به معنی تضمین عدم نقض این حقوق توسط دیگر اشخاص و تعهد به ایفا یا تحقق که ناظر بر انجام اقدامات ایجابی در جهت عینیت بخشیدن به آنهاست.

در موضوع قتل هدفمند، آنچه هدف و موضوع اصلی عمل را تشکیل می‌دهد، سلب حیات انسان است. در حالی که، دولت‌ها در برابر حق حیات علاوه بر آنکه متعهد به عدم نقض مستقیم آن گشته‌اند، باید با اتخاذ تمهیداتی از نقض این حق توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی ثالث پیشگیری نمایند. نظر به اینکه حق حیات که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)^۱ و ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)^۲ نیز مورد پذیرش دولت‌ها واقع گردیده، امروزه یک قاعده آمره بین‌المللی محسوب می‌شود، نه تنها دولت‌ها باید از سلب خودسرانه حیات افراد داخل در قلمروی خود اجتناب و پیشگیری نمایند، بلکه باید حیات شهروندان دیگر کشورها را نیز محترم شمارند همچنین ماهیت آمره حق حیات منجر به این گشته که تمامی تابعان حقوق بین‌الملل، حتی سازمان‌ها و بازیگران غیردولتی نیز متعهد به احترام و تضمین این حق بوده و در صورت اقدام به کشتار غیرقانونی دارای مسئولیت کیفری داخلی هستند و در شرایطی، در سطح بین‌المللی نیز مسئولیت خواهند داشت.

به این ترتیب، رویکرد حقوق بشر نسبت به قتل هدفمند، ذیل تعهد به احترام و تضمین حق حیات انسانی، بر ممنوعیت آن دلالت داشته و استثنای آن در وضعیتی است که برای جلوگیری از تهدید شدید یا جدی بیشتر در آینده که

1. Universal Declaration of Human Rights, 1948, Art.3.

2. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966, Art. 6.

حیات یک ملت را تهدید می‌کند و صرفاً در حین جنگ و در چارچوب موازین حقوق بشردوستانه، با رعایت اصول ضرورت، تفکیک و تناسب، امکان‌پذیر است.^۱ همچنین اقدام به قتل هدفمند، بدون آنکه مسبوق بر دادرسی عادلانه و صدور حکم قضایی قطعی باشد، حق بر دادرسی عادلانه که از حقوق مسلم بشری است را نقض می‌کند.

اهمیت موضوع قتل هدفمند تا بدانجاست که گزارشگران ویژه موضوعی در مورد اعدام‌های فراقضایی و خودسرانه، در چندین گزارش بر آن تأکید داشته‌اند. به عنوان نمونه، گزارشگر ویژه مذکور در گزارش سال ۲۰۱۱، ترور هدفمند را به چالش کشیده و ضمن بیان آنکه استانداردهای بین‌المللی از امنیت دولت‌ها در سطح داخلی و خارجی حمایت می‌کند، اظهار کرده که اقدامات تروریستی متقابل برای حمایت از حقوق بشر نیز دارای آثار مخرب طولانی‌مدت است. این گزارشگر بیان می‌دارد که فقط در شرایطی خاص، حیات صرفاً برای حمایت از حیات قابل سلب شدن می‌باشد. کاربرد نیروی کشنده نباید به کار رود مگر آنکه ظن قوی وجود داشته باشد که مظنون مرتکب جنایات متضمن خشونت جدی شده یا تهدید شدید و جدی به ارتکاب آن از سوی وی وجود دارد.^۲

چنان‌که گفته شد، کشور ایران در وضعیت مخاصمه مسلحانه فعال با هیچ کشوری نبوده و ترور هدفمند یک دانشمند برجسته علمی، مصداق بارزی از نقض حق حیات است که در زمره استثنای مذکور قرار نمی‌گیرد. حتی این مسئله از سوی گزارشگر ویژه موضوعی شورای حقوق بشر، خانم آگنس کالامارد و با ادبیات دیگری در موضع‌گیری سخنگوی سازمان ملل متحد مطرح گشته است.^۳ وی، پس از انتشار اخبار ترور شهید فخری‌زاده، در رشته تئویتی به ترور این دانشمند هسته‌ای واکنش نشان داد و یادآور شد که: «قتل هدفمند فراسرزمینی خارج از مخاصمه مسلحانه نقض قواعد بین‌المللی حقوق بشر که محرومیت خودسرانه از

۱. حسینی اکبرنژاد و حسینی اکبرنژاد، پیشین، ص ۲۲۵.

2. UN human Rights Expert Challenges “Targeted Killing” Policies, 20 October 2011.

3. <https://humanrights.eadl.ir/%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1/%D>

حیات را منع می‌کند و نقض منشور سازمان ملل است که استفاده از زور، خارج از مرز در زمان صلح را ممنوع می‌کند. کالامارد در ادامه افزود: طبق تعهدات بین‌المللی حقوق بشر درباره رفتار یک کشور خارج از مرزهایش که مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری، کمیته حقوق بشر، کمیسیون بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر و دادگاه حقوق بشر اروپا قرار گرفته است، کشورهایی که در اقدامات تجاوزکارانه‌ای که منجر به محرومیت از زندگی می‌شوند مشارکت دارند، به دلیل این اقدام، تعهدات معاهداتی خود را نقض کرده‌اند. کشورهایی که نمی‌توانند با اتخاذ تدابیر منطقی مناقشات بین‌المللی خود را از طریق مسالمت‌آمیز حل کنند، در پایبندی به تعهد مثبتشان برای تضمین حق حیات هم ناتوانند»^۱.

نکته قابل ذکر آنکه طرفداران نظریه قتل هدفمند، برای توجیه اقدامات خود در ترور افراد، اغلب از تئوری دفاع مشروع پیش‌گیرانه استفاده می‌کنند. استدلال آنها بر این نکته استوار است که اقدام به قتل هدفمند یک فرد نه برای اقدامات پیشین، بلکه برای دفع تهدیدات آتی این افراد است. چنان‌که مقامات آمریکایی در ترور سردار شهید سلیمانی، ترور هدفمند ایشان را این‌گونه توجیه کردند. حال آنکه متن منشور ملل متحد، رویه قضایی بین‌المللی و بخشی از دکترین حقوقی، دفاع مشروع پیشگیرانه را محکوم کرده و آن را غیرقانونی می‌داند. افزون بر این، با توجه به اینکه شهید فخری‌زاده، یک دانشمند هسته‌ای بوده که در پیشبرد برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نقش بسزایی داشته نمی‌توان، اقدامات ایشان را تهدیدی قریب‌الوقوع حمله مسلحانه علیه آمریکا و یا رژیم صهیونیستی دانست.

۳- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از ترور شهید فخری‌زاده

چنان‌که از وقایع مطروحه برمی‌آید، ترور شهید فخری‌زاده توسط اشخاص غیرنظامی خصوصی صورت گرفته است. با این حال، مقامات کشور، این اقدام را بدون پشتیبانی نظامی و اطلاعاتی دولت آمریکا و یا رژیم صهیونیستی ممکن نمی‌دانند. اگرچه همچنان هیچ دولت و یا گروهی مسئولیت این ترور را عهده‌دار

1. <https://twitter.com/AgnesCallamard/status/1332414199042101253>.

نشده، اما در این بخش، به منظور تحلیل حقوقی، فرض انتساب اقدامات صورت گرفته به یک دولت، به عنوان نمونه دولت آمریکا و یا عربستان، و نیز به فرض استناد به یک تشکیلات غیردولتی، مانند رژیم صهیونیستی، مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۳-۱. مسئولیت بین المللی ناشی از ترور شهید فخری زاده توسط اشخاص خصوصی تحت کنترل دولت

طرح کمیسیون حقوق بین الملل در موضوع مسئولیت بین المللی دولت (۲۰۰۱) که قواعد مسئولیت بین المللی دولت‌ها را تدوین نموده و بخش عمده مباحث آن ماهیتی عرفی یافته است، دو عنصر اصلی را برای احراز مسئولیت بین المللی دولت به رسمیت می شناسد: نخست آنکه عمل ارتکاب یافته باید منتسب به یک دولت بوده و ثانیاً، آن عمل منتسب نقض یکی از قواعد حقوق بین الملل باشد.^۱

چنان که اشاره شد این عمل، در درجه اول، نقض قاعده آمره لزوم احترام و تضمین حق حیات است. آنچه از وقایع موضوعی حادثه برمی آید آن است که گروهی اشخاص خصوصی مبادرت به این عمل تروریستی نموده‌اند. در ماده ۸ طرح مسئولیت بین المللی دولت این طور مقرر گشته که «عمل یک فرد یا گروهی از افراد باید به عنوان عمل دولت طبق حقوق بین الملل در نظر آورده شود، اگر آن فرد یا گروهی از افراد، تحت راهنمایی، هدایت یا کنترل آن دولت مرتکب عملی شده باشند».^۲

در واقع، به عنوان یک اصل کلی، عمل اشخاص خصوصی به یک دولت قابل انتساب نیست؛ مگر اینکه قرائن و شواهدی دال بر هدایت و کنترل آن عمل توسط یک دولت به دست آید. همچنین بر اساس رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی آمریکا در نیکاراگوئه، دیوان مقرر داشت که برنامه ریزی، هدایت و حمایت اعطاشده توسط دولت آمریکا به عوامل نیکاراگوئه، موجب مسئولیت آن دولت است،^۳ با این حال، دیوان ادعای

1. ILC, Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Art. 2.

2. Ibid, Art. 8.

3. Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Judgment, ICJ Reports, 1986, p. 51, para. 86

موسع نیکاراگوئه مبنی بر انتساب همه اعمال شورشیان کنتررا به آمریکا را رد کرد و به نوعی تئوری کنترل مؤثر را مورد پذیرش قرار داد و این موضوع را که وابستگی و حمایت کلی برای توجیه انتساب رفتاری به یک دولت کافی است، نپذیرفت.^۱

آنچه مهم است اینکه در انتساب عمل ارتكابی توسط فرد یا گروهی از افراد به یک یا چند دولت باید وقایع خاص هر قضیه بررسی و ارزیابی شود. چندی پیش «مایک پامپئو»، وزیر خارجه آمریکا، «بنیامین نتانیا هو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و «محمد بن سلمان»، ولیعهد سعودی، در عربستان نشست محرمانه‌ای را برگزار کردند که محور مذاکرات آنها ایران بود. بدیهی است، برگزاری این مذاکرات، در مدت زمانی پیش از ارتكاب ترور شهید فخری‌زاده، این ظن را تقویت می‌کند که چنین مذاکراتی می‌تواند با این واقعه ارتباط داشته باشد که به فرض اثبات، مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا و عربستان قابل طرح است. اگرچه از بیانات و نوع رفتار مقامات رژیم صهیونیستی و اظهار نظرات مقامات ایرانی^۲ این‌طور برمی‌آید که سیستم اطلاعاتی رژیم صهیونیستی این عمل را هدایت کرده اما چون موجودیت دولتی رژیم صهیونیستی، از سوی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نشده است، تنها به فرض انتساب این عمل به دولت‌های شناسایی شده مانند آمریکا یا عربستان از سوی ایران، طرح مسئولیت بین‌المللی آن دولت‌ها امکان‌پذیر است.

۳-۲. سنجش مسئولیت بین‌المللی ناشی از ترور شهید فخری‌زاده توسط اشخاص خصوصی تحت کنترل تشکیلات غیردولتی

چنان‌که از عنوان طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مسئولیت بین‌المللی دولت برای اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱) برمی‌آید، این طرح، صرفاً قواعد ناظر بر حیطة «مسئولیت بین‌المللی دولت» را تدوین نموده است و اساساً موضوع مسئولیت تشکله‌ها و گروه‌های غیردولتی، در فرضی که رفتار آنها به دولتی خاص

1. ILC, op. cit, Art. 8, cmt. 4.

2. <https://www.irna.ir/news/84125894/>.

قابل انتساب نیست، از شمول این طرح خروج موضوعی دارد.

مسلم است که امروزه نقش تشکل‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که در زمره تابعان منفعل حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند، بسیار بیش از نقش آنها در سال‌ها و سده‌های گذشته است. به‌ویژه با گسترش گروه‌های تروریستی که قواعد حقوق بشر و بشردوستانه را به طرق مختلف نقض می‌کنند، ضرورت ایجاد رژیم حقوقی در مسئولیت بین‌المللی آنها بیش از پیش احساس می‌شود.

طرح مسئولیت بین‌المللی دولت صرفاً در ماده ۱۰، عمل گروه‌های شورشی که دارای اوصاف و ویژگی‌های خاصی است و حکومتی جدید را در یک دولت تشکیل می‌دهد، قاعده‌مند نموده اما وضعیت مسئولیت گروه‌هایی را که عمل آنها به دولتی خاص منتسب نبوده و یا موفق به تشکیل دولتی جدید نمی‌شوند را مسکوت گذاشته است.^۱ اگرچه مطابق اظهارات مقامات کشورمان، رد پای سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی (موساد) در ترور شهید فخری‌زاده مشهود است اما از آنجا که موجودیت دولت بودن رژیم صهیونیستی محل سؤال است، نمی‌توان مسئولیت بین‌المللی این ترور را به دولتی خاص منتسب کرد. از این رو، هدایت‌کنندگان و عاملان این جنایت، صرفاً دارای مسئولیت بین‌المللی کیفری فردی هستند. علاوه بر اینکه مسئولیت کیفری عاملان ترور در نظام حقوقی داخلی ایران مشهود است، اگر بتوان، این ترور را مصداقی از جنایت علیه بشریت دانست، مسئولیت بین‌المللی کیفری عاملان و هدایت‌کنندگان این جنایت قابل طرح است.

ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت را به عنوان اقداماتی مانند قتل، شکنجه، برده‌داری، اقدامات نژادپرستانه و... برشمرده که به عنوان بخشی از حمله گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی، با علم به آن حمله ارتکاب یابد.^۲ برای آنکه بتوان شهید فخری‌زاده را در شمار مصدق جنایت علیه بشریت محسوب نمود، بررسی شرایط و اوصاف این جرم حائز اهمیت است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تحقق جنایت علیه بشریت آن است که

1. ILC, op. cit, Art. 10.

2. Rome Statute of International Criminal Court, 1998. Art. 7.

رفتارهای مجرمانه باید در بستر یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی و با آگاهی از آن حمله صورت گیرد. اصطلاح «گسترده»^۱ به مواردی از جمله وسعت حمله و یا تعداد بزه‌دیدگان اشاره دارد، در حالی که «سیستماتیک»^۲ بودن حمله زمانی محقق می‌شود که اقدامات توصیف‌شده در قالب یک سیاست و خط‌مشی دولتی یا طراحی قبلی ارتکاب یابد. برای قرار گرفتن یک عمل در قالب جنایت علیه بشریت اثبات هر یک از ویژگی‌های «گسترده» یا «سیستماتیک بودن» کفایت می‌کند. در اینکه عمل ارتکاب یافته دارای وصف سیستماتیک و با طرح و نقشه قبلی است، تردیدی نیست؛ اما ویژگی مهم دیگر در جنایت علیه بشریت نامیدن یک جرم آن است که موضوع جرم باید «جمعیتی غیرنظامی»^۳ باشد. در حالی که در معنای مضیق، قتل هدفمند علیه یک شخص صورت گرفته است. هر چند ممکن است با تفسیری موسع، این اقدام را در راستای ترورهای قبلی علیه دانشمندان هسته‌ای ایران به شمار آورد و مجموعه آنها را عملی گسترده و سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی و مصداقی از جنایت علیه بشریت محسوب کرد؛ زیرا این اقدام در کلیت خود علیه ملت ایران و جامعه علمی جهان انجام شده است و بشریت را از وجود چنین دانشمندی در سطح ملی و جهانی محروم ساخته است. در فرض اخیر، مسئولیت بین‌المللی کیفری عواملان و هدایت‌کنندگان این جنایت و ترورهای قبلی دانشمندان هسته‌ای قابلیت طرح دارد. در صورت تقویت چنین فرضی، شایسته است موضوع امکان‌سنجی پذیرش صلاحیت موردی دیوان بین‌المللی کیفری مورد بررسی همه‌جانبه قرار گیرد.^۴

۴- ارزیابی امکان دفاع مشروع در واکنش به ترور شهید فخری‌زاده

منع توسل به زور، یکی از اصول پایه‌ای نظام ملل متحد و یک قاعده آمره بین‌المللی است. به موجب این قاعده، دولت‌ها باید از به‌کارگیری هر گونه زور

1. Widespread

2. Systematic

3. Civil Population

4. See: Rome Statute of International Criminal Court, op. cit, Art. 12(3).

نظامی علیه یکدیگر، جز در موارد استثنایی دفاع مشروع و نظام امنیت جمعی ملل متحد خودداری نمایند.

توسل به زور، زمانی که جز در قالب‌های ذکر شده صورت گیرد، تجاوز محسوب می‌شود. قطعنامه تعریف تجاوز ۳۳۱۴، در تعریفی که از تجاوز مطرح می‌کند، آن را کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت بر ضد حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد، آن‌چنان‌که در این تعریف آمده است، می‌داند.^۱

این قطعنامه، ضمن بیان مصادیق توسل به زور و اقدامات تجاوزکارانه، اعزام دسته‌ها، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح، توسط یا از جانب یک دولت به منظور عملیات مسلحانه علیه دولت دیگر، را تجاوز می‌داند.^۲ این بند دقیقاً بیانگر توسل به زور غیرمستقیم است. همچنین بند ۲۰۵ رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه آمریکا، به بخشی از قطعنامه ۲۶۲۵ اشاره می‌نماید که بیان می‌کند دولت‌ها باید از سازمان‌دهی، تحریک، کمک یا مشارکت در نزاع‌های داخلی یا اقدامات تروریستی در دولت دیگر خودداری کرده و نباید ساماندهی و شکل‌گیری گروه‌های مسلحانه را برای تاخت و تاز در کشور دیگر، تشویق نمایند.^۳ بر این اساس، استفاده از نیروی مسلحانه در ترور شهید فخری زاده و اعزام آنها به منظور انجام اقدام تروریستی در ایران، به فرض اینکه از سوی دولت یا دولت‌های دیگر هدایت شده باشد، مصداق عمل تجاوزکارانه و نقض قاعده منع توسل به زور علیه حاکمیت و تمامیت سرزمینی ایران است. ولی در ارتباط با اینکه آیا شدت این عمل به آستانه حمله مسلحانه‌ای که دفاع مشروع در مقابل آن جایز است، رسیده یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد.

یکی از استدلال‌ات مطروحه آن است که مطابق با رویه قضایی دیوان بین‌المللی

1. UN Doc. A/Res/29/3314, 1974, Art. 1.

2. UN Doc. A/Res/3314 (XXIX), Definition of Aggression, 14 December 1974, Art. 3(g).

3. UN Doc. A/Res/2625 (XXV). Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations, 24 October 1970, para 1. Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), op. cit, paras. 191, 205.

دادگستری، ارسال نیروهای مسلح منظم به ورای مرزهای بین‌المللی، گسیل گروه‌های نامنظم یا مزدوران به شرطی که از چنان شدتی برخوردار باشند که با یک حمله مسلحانه واقعی تحت رهبری نیروهای منظم برابری کند، حمله مسلحانه تلقی می‌شود.^۱ بنابراین انجام یک عمل تروریستی که در ضمن آن تعداد اندکی از افراد کشته می‌شوند را نمی‌توان حمله مسلحانه‌ای دانست که دفاع مشروع در برابر آن جایز باشد. به‌ویژه آنکه معیار «شدت» نیز به عنوان شرط لازم برای حمله مسلحانه، در تعدادی از آرای دیوان مورد تصریح قرار گرفته است. از جمله اینکه دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی، در پاسخ به این سؤال که حمله مسلحانه چیست و چه ویژگی‌ای دارد مقرر داشت: تفکیک شدیدترین شکل توسل به زور که یک حمله مسلحانه است از دیگر اشکال با شدت کمتر ضروری است.^۲ دیوان در این قضیه، در ادامه اظهار نظر خود تصمیم گرفت که حتی اگر حملات به طور آشکار به ایران قابل استناد باشد، حملات ادعایی در حد شدیدترین شکل توسل به زور نیست و بنابراین نمی‌تواند یک حمله مسلحانه باشد.^۳ دیوان، در جایی دیگر از این رأی اظهار داشت، قبل از آنکه کشور هدف حق توسل به دفاع مشروع را داشته باشد، ضروری است حمله به حد معینی از شدت رسیده باشد. همچنین کمیسیون دعاوی اریتره - اتیوپی مجدداً معیار شدت را در رابطه با فعالیت‌های نظامی نیروهای مسلح منظم مورد تأیید قرار داد و اعلام کرد «زد و خوردهای فردی محلی بین واحدهای کوچک پیاده‌نظام حتی مواردی که تعدادی کشته بر جای مانده باشد، حمله مسلحانه به مفهومی که در منشور به کار رفته است محسوب نمی‌شود و با توجه به اینکه موضوع اختلاف مربوط به زد و خوردهای کوچک بین نیروهای گشتی در طول یک مرز طولانی، نامشخص و مورد اختلاف بوده، کمیسیون قانع شده که این حوادث در حدی نبوده‌اند که حملات مسلحانه یک کشور علیه کشور

1. Case Concerning Military and Para Military Activities in and Against Nicaragua, op. cit, para 195.

2. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, IC J. Reports 2003, para. 51

3. Ibid, para. 64.

دیگر در مفهوم ماده ۵۱ باشد.^۱ بر این اساس، انجام عملیات تروریستی که در ضمن آن یک یا چند فرد ترور می‌شوند، نمی‌تواند حمله مسلحانه علیه تمامیت و حاکمیت سرزمینی یک کشور باشد.

اما استدلال دیگری که از سوی مقابل، قابل طرح است آنکه یکی از نوآوری‌هایی که رأی دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی در مفهوم حمله مسلحانه بدان دست یازید، این است که وقوع حمله مسلحانه مستلزم وجود قصد کشور حمله‌کننده به ضربه زدن به یک هدف خاص است. دیوان در این خصوص مقرر می‌دارد: «کشتی سی ایل سیتی هنگامی که هدف حمله قرار گرفت در آب‌های کویت بود و موشک کرم ابریشم که از فاصله بیش از صد کیلومتر شلیک شده و به آن اصابت کرده نمی‌توانست به قصد خاص اصابت به کشتی مذکور شلیک شده باشد؛ بلکه فقط برای اصابت به هدفی نامعلوم در آب‌های کویت برنامه‌ریزی و شلیک شده است. هیچ دلیلی وجود ندارد که مین‌گذاری ادعایی توسط کشتی ایرانی اجر در زمانی که ایران با عراق در جنگ بود به قصد خاص اصابت به کشتی آمریکایی صورت گرفته باشد و به همین صورت اثبات نشده است که مینی که به کشتی بریجتون اصابت کرد به قصد خاص ضربه زدن به آن کشتی یا دیگر کشتی‌های آمریکا، کار گذاشته شده بود».^۲ به همین روی، آنچه در احراز حمله مسلحانه اهمیت دارد، شدت حمله و قصد خاص آن نسبت به هدفی معین است که می‌توان هر دو وصف را در موضوع ترور شهید فخری‌زاده شاهد بود. چراکه ویژگی شدت، صرفاً ناظر بر تعداد بالای تلفات به وجود آمده نیست؛ بلکه اساسی بودن فرد یا مکان مورد حمله برای حاکمیت ملاک است. همچنین قصد عاملان ترور ایشان، صدمه زدن به هدفی خاص، یعنی برجسته‌ترین دانشمند هسته‌ای ایران و ایجاد اختلال در روند فعالیت هسته‌ای ایران بوده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد می‌توان حمله به خودروی ایشان را نوعی حمله مسلحانه دانست که دفاع مشروع در برابر آن جایز است.

1. Eritrea-Ethiopia Claims Commission - Partial Award: Jus Ad Bellum - Ethiopia's Claims 1-8, 2005, paras. 11-12.

2. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), op. cit, para. 64.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که با توجه به ارتکاب حمله توسط عوامل غیردولتی، آیا اساساً دفاع مشروع در برابر آنها امکان‌پذیر است؟
با نگاه به متن ماده ۵۱ منشور، این نتیجه حاصل می‌شود که این سند، شرط تحقق دفاع مشروع را تنها وقوع حمله مسلحانه از جانب یک کشور ندانسته؛ بلکه، فقط به این نکته توجه کرده است که این کشورها هستند که باید موضوع و قربانی حمله مسلحانه تلقی شوند.^۱ دقت در استدلال‌ات دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه، نظریه مشورتی تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای و نظریه مشورتی دیوار حائل در این موضوع حائز اهمیت است.

در قضیه نیکاراگوئه، دیوان به این نتیجه دست یافت که اجماع و توافق کلی در حقوق بین‌الملل مبنی بر این وجود دارد که حمله مسلحانه صرفاً شامل اعمال نیروهای مسلح منظم در کنار مرزهای بین‌المللی نیست؛ بلکه، «گسیل دسته‌های مسلح، گروه‌های غیرمنظم یا مزدوران از طرف کشور یا به نمایندگی را نیز شامل می‌شود».^۲ بنابراین این نهاد قضایی امکان تحقق حمله مسلحانه توسط گروه‌های غیردولتی را مورد تأیید قرار داد. با این حال، دیوان در رأی خود به این مسئله که تحت چه شرایطی کشوری می‌تواند به طور مشروع علیه بازیگران غیردولتی در کشور خارجی متوسل به زور شود، نپرداخت. تا قبل از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تفسیر دولت‌ها از دفاع مشروع، تفسیر مضیق بود. اما پس از این حادثه، شورای امنیت برای مثال در قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳، برای دولت‌ها حق دفاع مشروع را در برابر تروریسم شناسایی کرده و امکان تفسیر موسع از این مفهوم را برای دولت‌ها فراهم کرده است. این قطعنامه‌ها را می‌توان نخستین مهر تأیید بر اعمال دفاع مشروع علیه بازیگران غیردولتی دانست.

اما دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای بعدی که صادر نمود از جمله در نظریه

۱. سواری، حسن و خه بات اصلانی، «عملیات مسلحانه بازیگران غیردولتی علیه کشورها: تشکیل در قواعد

حاکم بر توسل به زور»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۹، شماره ۴۶، ۱۳۹۱، ص ۶۱ و ۶۲.

2. Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), op. cit, para 195.

مشورتی دیوار حائل در سال ۲۰۰۴، همچنان به حقوق موجود پایبند است و در تفسیری که از ماده ۵۱ ارائه می‌دهد، دفاع مشروع را در برابر حمله مسلحانه یک دولت علیه دولت دیگر قانونی می‌داند.^۱ علی‌رغم وجود این تفسیر از رأی دیوان که دفاع مشروع را تنها مابین دولت‌ها مجاز می‌دارد، برخی از حقوق دانان و همین‌طور قضات دیوان بین‌المللی دادگستری بر این عقیده هستند که اگرچه دیوان در این رأی بدین نتیجه رسید که اقدام رژیم صهیونیستی در ساخت دیوار غیرقانونی است؛ اما این تصمیم الزاماً بدین معنا نیست که دفاع مشروع علیه بازیگران غیردولتی غیرمجاز می‌باشد و حق رژیم صهیونیستی تنها بدین دلیل که تهدید از سرزمین تحت اشغال آن ناشی می‌شود، توسل به دفاع مشروع نقض ماده ۵۱ منشور خواهد بود.^۲ گذشته از پذیرش هر یک از تفاسیر فوق، نظریه مشورتی در موضوع تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای، بیان می‌کند: «در مواردی که حملات توسط گروه‌های غیردولتی انجام می‌گیرد، حتماً باید قابل انتساب به دولتی خاص باشد».^۳ در نتیجه، براساس نظر دیوان، دفاع مشروع علیه موجودیت‌های غیردولتی با شرایطی امکان‌پذیر است: اول آنکه حمله مسلحانه باشد؛ دوم اینکه این عمل حداقل از جانب یک دولت حمایت شود و قابل انتساب به یک دولت باشد. بنابراین، زمانی حملات تروریستی، حمله مسلحانه‌ای هستند که دفاع مشروع در برابرشان مجاز است که این حملات قابل انتساب به یک یا چند دولت باشند.^۴ معیار انتساب اعمال بازیگران غیردولتی به دولت، در رأی نیکاراگوئه و همچنین ماده ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، کنترل مؤثر می‌باشد. در مورد معیار انتساب، دیوان شرایط بسیار مضیقی را مبنا قرار داده است. به نحوی که این نهاد، صرف کمک مالی، تدارکاتی و تهیه سلاح را برای انتساب عمل بازیگران غیردولتی به دولت

1. Legal Consequences of Construction of War in Occupied Palestinian Terrorism, ICJ, Advisory Opinion, 2004, para 134.

۲. سواری و اصلانی، پیشین، ص ۶۴.

3. Legality of the Use by State Of Nuclear weapons In Armed Conflicts, ICJ, Advisory opinion, 1996, para 195.

۴. طباطبایی لطفی، سید احمد و زهرا سادات شارق، «بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت

اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶،

شماره ۱، ۱۳۹۵، ص ۱۹۰.

کافی نمی‌داند. در نتیجه، اگر بتوان این اقدام را به دولت خاصی مثل آمریکا یا دولت‌های عربی منطقه مثل عربستان منتسب کرد می‌توان، اقدامات تدافعی را با رعایت دیگر شروط دفاع مشروع مثل ضرورت، تناسب و فوریت، به کار گرفت. اما اگر این اقدام، قابل انتساب به کشوری خاص نبوده و صرفاً یک عمل تروریستی سازمان‌یافته باشد، اقدامات نظامی در قالب مبارزه علیه تروریسم که مطابق قطعنامه‌های شورای امنیت، همه دولت‌ها موظفند به آن اهتمام ورزند، امکان‌پذیر خواهد بود.^۱ چنان‌که کشورهای آمریکا و رژیم صهیونیستی با توسل به این ادعا، بارها حملاتی را علیه گروه‌های غیرنظامی که به زعم آنها تروریستی محسوب می‌شوند، طراحی و اجرا کرده‌اند.

۱. در همه‌ی قطعنامه‌های عام و خاص مربوط به مبارزه و ریشه‌کنی تروریسم، فارغ از شکل و نوع آن، اقدام مؤثر و نابودی قطعی این پدیده‌ی مورد تأکید شورای امنیت بوده و هست از جمله در قطعنامه بسیار مهم ۱۵۶۶ سال ۲۰۰۴ و سایر قطعنامه‌های مبارزه و ریشه‌کنی تروریسم از جمله: قطعنامه‌های (۱۲۶۷) (۱۹۹۹)، (۱۳۶۸) (۲۰۰۱)، (۱۳۷۳) (۲۰۰۱)، (۱۶۱۸) (۲۰۰۵)، (۱۶۲۴) (۲۰۰۵)، (۲۰۸۳) (۲۰۱۲)، (۲۱۲۹) (۲۰۱۳)، (۲۱۳۳) (۲۰۱۴)، (۲۱۶۱) (۲۰۱۴)، (۲۱۷۰) (۲۰۱۴)، (۲۱۷۸) (۲۰۱۴)، (۲۱۹۵) (۲۰۱۴)، (۲۱۹۹) (۲۰۱۵)، (۲۲۱۴) (۲۰۱۵).

برای مطالعه بیشتر در مورد مبارزه با تروریسم در امنیت حقوقی بین‌المللی نک: موسوی فر، سید حسین، امنیت حقوقی در حقوق بین‌الملل، انتشارات پژوهشگاه قوه قضاییه، در دست انتشار، ۱۳۹۹.

نتیجه‌گیری

اقدام سازمان‌یافته در به شهادت رساندن دکتر فخری‌زاده، یک عمل تروریستی بوده که نقض قاعده آمره حق حیات و حق بر دادرسی عادلانه است. در صورت اثبات انتساب این عمل به دولتی مستقل و رسمی، آن دولت‌ها در برابر دولت ایران مسئولیت بین‌المللی خواهند داشت، در غیر این صورت، به دلیل عدم شناسایی مسئولیت بین‌المللی حقوقی تشکیلات و بازیگران غیردولتی، در فرض انتساب این عمل به رژیم صهیونیستی که جمهوری اسلامی ایران موجودیت دولتی بودن آن را نپذیرفته است، طرح مسئولیت کیفری فردی و نیز به فرض جنایت علیه بشریت بودن این اقدام، مسئولیت بین‌المللی کیفری فردی عاملان و هدایت‌کنندگان این عمل قابل طرح است.

همچنین با توجه به اینکه گسیل نیروهای نامنظم به داخل مرزهای یک کشور به منظور انجام اقدام مسلحانه تروریستی توسط یک دولت، نقض اصل منع توسل به زور می‌باشد، آن دولت‌های هدایت‌کننده مسئول عمل خود خواهند بود و در صورتی که بتوان آن اقدام را یک حمله مسلحانه شدید دانست، امکان دفاع مشروع برای ایران فراهم است. اما در صورتی که عمل گروه تروریستی مرتکب ترور، به دولت خاصی منتسب نشود، می‌توان اقدام قاهرانه‌ای را علیه همان گروه یا تشکیلات تروریستی با رعایت مقررات عام مربوط به مقابله با تروریسم انجام داد. هرچند، ممکن است این اقدام با واکنش‌های سیاسی جامعه بین‌المللی همراه شود.

از بعد حقوقی نیز، به دلیل عدم پذیرش صلاحیت محاکم قضایی بین‌المللی مثل دیوان بین‌المللی دادگستری، صرفاً طرح موضوع از مجرای شورای امنیت و مجمع عمومی و تلاش برای محکوم کردن این‌گونه اقدامات تروریستی ناقض حقوق بشر در نهادهای ناظر حقوق بشر مانند شورای حقوق بشر امکان‌پذیر است.

افزون بر این، طرح دعاوی مدنی وفق قوانین مرتبط (از جمله قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های

خارجی) و پیگردهای کیفری مقتضی (با عنایت به صلاحیت‌های دادستان محترم کل از جمله ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری) علیه اشخاص مرتکب این عمل در محاکم داخلی ایران از دیگر روش‌های حقوقی در دسترس است.

منابع:

منابع فارسی:

- آتنف، رنالد، رهیافت جرم‌شناسی و بزه شناختی به تروریسم، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، ۱۳۸۳.
- آهنی امینه، محمد و محمدجواد ظریف. «قتل هدفمند، مبانی متعارض در حقوق بین‌الملل (با تأکید بر عملیات قتل هدفمند ایالات متحده آمریکا)»، پژوهش‌های تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۴، ۱۳۹۱.
- بدی، توماس، جی، تعریف تروریسم بین‌المللی، نگرش علمی، ترجمه سید رضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶ پاییز و زمستان ۱۳۷۸،
- حسینی اکبرنژاد، هاله و حوریه حسینی اکبرنژاد، «ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۹۷.
- زمانی، سید قاسم، جایگاه موازین بین‌الملل حقوقی بشر در مبارزه با تروریسم، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۸، ۱۳۸۴
- زرقانی، سید هادی و هادی اعظمی، تحلیل ملاحظات دفاعی و امنیتی در آمایش کلان‌شهر مشهد با تأکید بر تهدیدات تروریستی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۸، شماره ۱۴
- سرتیپی، حسین، بردبار، احمدرضا و محمد موسی زاده، «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۴، شماره ۳۸، ۱۳۹۱.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و عبدالکریم سالکی، ترور، تروریسم و تروریسم دولتی، مجله سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۹۹، ۱۳۹۴
- سواری، حسن و خه بات اصلانی، «عملیات مسلحانه بازیگران غیردولتی

- علیه کشورها: تشکیک در قواعد حاکم بر توسل به زور»، مجله حقوقی بین المللی، سال ۲۹، شماره ۴۶، ۱۳۹۱.
- طباطبایی لطفی، سید احمد و زهرا سادات شارق، «بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین الملل در سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، ۱۳۹۵.
- عزیزی، ستار، «قتل هدفمند از نگاه حقوق بین الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۹.
- موسوی فر، سید حسین، «امنیت حقوقی در حقوق بین الملل»، انتشارات پژوهشگاه قوه قضاییه، در دست انتشار، ۱۳۹۹.
- نجومی، صابر، «مطالعه تطبیقی تروریسم از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل» رساله کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷.
- هیگینز، روزالین، «حقوق بین الملل عام تروریسم»، ترجمه زهرا کسمتی در علیرضا طیب، تروریسم نشر نی، تهران، ۱۳۸۳.

منابع انگلیسی:

- Byrnes, Andrew, APOCALYPTIC VISIONS AND THE LAW: THE LEGACY OF SEPTEMBER 11, Inaugural lecture, Faculty of Law, Australian National University, 30 May 2002
- Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Judgment, ICJ Reports 1986.
- Eritrea _ Ethiopia Claims Commission _ Partial Award: Jus Ad Bellum _ Ethiopia's Claims 1-8, 2005.
- ILC, Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.
- International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.

- Legal Consequences of Construction of War in Occupied Palestinian Terrorism, ICJ, Advisory Opinion, 2004.
- Legality of the Use by State of Nuclear weapons In Armed Conflicts, ICJ, Advisory opinion, 1996.
- Melzer, Nils, Targeted Killing in International Law, New York: Oxford University Press, 2008.
- Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, IC J. Reports 2003.
- Rome Statute of International Criminal Court, 1998.
- Solis, Gary "Targeted Killing and the Law of Armed Conflict" Naval War College Review 60, Spring Year 2007.
- Stepanova, Ekatrina, Terrorism In Asymmetrical Conflict SIPRI Research Report Oxford University Press, New York 2008
- UN Doc. A/Res/2625 (XXV). Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations, 24 October 1970.
- UN Doc. A/Res/3314 (XXIX), Definition of Aggression, 14 December 1974.
- UN Doc.A/Res/ 49/60, Measures to eliminate international terrorism, 17 February 1995
- UN human Rights Expert Challenges "Targeted Killing" Policies, 20 October 2011.
- Universal Declaration of Human Rights, 1948.

وبسایت‌های خبری - تحلیلی:

- <https://twitter.com/AgnesCallamard/status/1332414199042101253>.
- <https://www.irna.ir/news/84125894/>.
- Academic Consensus Ddfinition of "Terrorism" 1988.
- www.Unodc.org/Unodd?Terrorism